

بررسی تطبیقی نوسازی و اصلاحات در ژاپن و ایران در دوره معاصر

سیداحمد موثقی *

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدحسن جباری

مربی دانشگاه پیام نور پاره

(تاریخ دریافت: ۸۶/۴/۱۱ - تاریخ تصویب: ۸۶/۹/۲۰)

چکیده:

ایران و ژاپن دو کشور آسیایی می باشند که در مواجهه با برتری های غرب، نوسازی و اصلاحات را به شکل مدرن شروع کردند. نخبگان نوساز و اصلاح طلب دو کشور برای هم سطح شدن با غرب در زمینه های نظامی، اقتصادی، آموزشی و...، نوسازی و اصلاحات را ضروری دانستند. نوسازی و اصلاحات ژاپن با اعاده قدرت به امپراطور در اواسط قرن ۱۹م [۱۸۶۸م] شروع شد. نخبگان و نیروهای قدرتمند ژاپن با یک هدف واحد، آن هم رسیدن به توسعه، برای فائق آمدن بر برتری های غرب اجماع و انسجام داشتند و توانستند به توسعه دست یابند و هم سطح غرب شوند. ولی با وجود اینکه نوسازی و اصلاحات در ایران زودتر از ژاپن در دوره معاصر اوائل قرن ۱۹م با عباس میرزا شروع شده بود، با اجماع و انسجام نخبگان و نیروهای قدرتمند جهت رسیدن به توسعه و فائق آمدن بر برتری های غرب همراه نبود. نیروهای قدرتمند جهت حفظ منافع شخصی شان حاضر به همکاری با همدیگر برای پیشبرد نوسازی و اصلاحات نبودند.

واژگان کلیدی:

نوسازی - اصلاحات - نخبگان - ژاپن - ایران

فاکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

* مسئول مقاله

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر از این نویسنده در این مجله، به صفحه پایانی همین مقاله نگاه کنید.

مقدمه

عصر روشنگری و ظهور دولت-ملت در اروپا در قرن ۱۶ و ۱۷م [۱۰ و ۱۱ه.ش] زمینه‌ساز تحول، دگرگونی و نوآوری در کشورهای اروپایی شد. این کشورها در این قرن و قرون بعدی توانستند به نوآوری‌های در زمینه‌های نظامی، اقتصادی و... دست بزنند و برتری‌های خود را به ملل دیگر بقبولانند. نوآوری و پیشرفت‌های نظامی، اقتصادی و... کشورهای اروپایی و توسعه‌یافته زمینه‌ساز تهاجم آنها به کشورهای توسعه‌نیافته شد. کشورهای توسعه‌نیافته که توان مقابله با کشورهای با تکنولوژی پیشرفته و مدرن را نداشتند، مستعمره آنها شدند. عاملی که فرصت مناسبی به کشورهای غربی داد تا نفوذ خود را در کشورهای عقب‌مانده افزایش دهند، عدم انسجام بین نخبگان و به عبارت دیگر نیروهای قدرتمند کشورهای عقب‌مانده بود. در بسیاری از کشورهای عقب‌مانده، گروه‌های قدرتمند در جهت حفظ منافع شخصی خودشان، حتی با کشورهای غربی همکاری می‌کردند و حاضر نبودند برای حفظ منافع کشورشان با همدیگر همکاری کنند و نیز انسجام بین خود ایجاد کنند. ژاپن و ایران دو کشور آسیایی هستند که با مشاهده پیشرفت‌های نظامی، تکنولوژی و صنعتی کشورهای غربی، پی به ضعف خود برده و درصدد نوسازی و اصلاحات با هدایت از بالا برآمدند. نوسازی و اصلاحات ژاپن با اعاده قدرت به امپراتور در سال ۱۸۶۸م شروع شد. دولت میجی که حاصل انسجام نیروهای قدرتمند سنتی و مدرن (زمینداران، تجار و بازرگانان، اشراف و امپراتور) بود و توانست نوسازی و اصلاحات را با موفقیت به پایان رساند و توسعه پیدا کند ولی نوسازی و اصلاحات در ایران با وجود آنکه زودتر از ژاپن در اوائل قرن ۱۹م با عباس میرزا شروع شده بود، با عدم انسجام نخبگان و به عبارت دیگر نیروهای قدرتمند سنتی و مدرن (حکام ایالات، ملاکین، روحانیون و...) همراه بود و به توسعه نرسید. لذا در این مقاله سعی می‌شود عوامل موفقیت نوسازی و اصلاحات ژاپن دوره میجی در زمینه نظامی، آموزشی، اقتصادی در مقایسه با نوسازی و اصلاحات عباس میرزا، امیرکبیر، رضا شاه و دوره مشروطیت دو کشور مورد بررسی قرار گیرد. تمرکز اصلی روی نقش نخبگان و اجماع و انسجام آنها در ژاپن و فقدان آن در ایران می‌باشد.

نوسازی و اصلاحات در ژاپن در دوره معاصر

نوسازی و اصلاحات ژاپن به شکل مدرن با انقلاب میجی در اواسط قرن ۱۹م در ژاپن شروع شد. قبل از انقلاب میجی ژاپن، حکومت توگوگاوا ژاپن را به مدت دو قرن و نیم در انزوا از جهان خارج قرار داد. حکومت توگوگاوا حاصل غلبه قبیله‌ای یاسوتوگوگاوا بر سایر قبایل در ۱۶۰۳م بود و بزرگترین قبیله ژاپن شد. ای‌یاسوتوگوگاوا بعد از تسلط بر قبایل دیگر خود

را شوگون اعلام کرد. شوگون‌ها که نوعی بدبینی به کشورهای غربی به ویژه پرتغال و هلند در قرن ۱۶م داشتند، درصدد قطع رابطه با کشورهای غربی برآمدند و بنادر خود را به مدت دو قرن بر روی غربی‌ها بستند (کوشان، ۱۳۱۷، صص ۴۳-۴۲) حکومت توکوگاوا که حاصل غلبه قبيله-ای بر قبایل دیگر بود، نگران از خودمختاری و شورش‌های قبيله‌ای بود لذا در صدد برآمد تا تمرکزگرایی در کشور ایجاد کند. برای فائق آمدن بر تمرکزگرایی روش گروگان‌گیری را به کار برد که بر مبنای آن رؤسای قبایل دیگر دایمیوها (ملاکین بزرگ) مدتی در پایتخت و مدتی در املاک خود باشند. برای رسیدن به این هدف همسران و کسان دایمیوها را به صورت گروگان در پایتخت و به عبارت دیگر در دربار شوگون به صورت گروگان نگهداری کرد. این اقدام باعث رفت و آمد دایمیوها بین ملاکین و املاک خود شد. (مرتون، ۱۳۶۴، صص ۱۵۶-۱۵۵) رفت و آمد دایمیو نیاز به وجوه نقدی داشت. این وجوه نقدی را تجار و بازرگانان تأمین می‌کردند آنها با خرید محصولات دایمیوها و فروش آنها در مناطق دیگر وجوه نقدی کسب می‌کردند. و آن را در اختیار دایمیوها برای مسافرت قرار می‌دادند. این مسئله از یک‌طرف باعث رونق کشاورزی تجاری شد و از طرف دیگر زمینه قدرت گرفتن تجار و بازرگانان را فراهم کرد که به عنوان طبقه قدرتمند در کشور ظهور کردند. به طوری که شرکت‌های تجاری نظیر میتسوئی‌گومی و... در کشور رونق گرفتند.

حکومت توکوگاوا با اقداماتش توانسته بود صلح و آرامشی در کشور ایجاد کند و اهمیت جنگاوران (سامورایی‌ها) که در قبال خدمات نظامی برای دایمیوها مستمری کسب می‌کردند را کاهش دهد. (مور، ۱۳۶۹، ص ۲۲۷) لذا اهمیت نیروهای نظامی کاهش یافت و حکومت توکوگاوا هیچ اطلاعاتی از پیشرفت‌های نظامی جهان خارج به علت انزوا نداشت. این بی‌اطلاعی زمانی شکست که ناوگان آمریکایی به فرماندهی ژنرال پری به بنادر ژاپن آمد و حکومت شوگون توان مقابله با آن را نداشت (پرویزیان، ۲۵۳۵، ص ۵۰) و معاهدات تحمیلی آنها را پذیرفت به طوری که دو بندر «شی مودا» (Shimoddo) و «هاکوداته» (Hokodate) را به روی آمریکایی‌ها گشود و به آمریکا اجازه داد یک کنسولگری در شی مودا داشته باشد. علاوه بر آنها ژاپن قراردادهای مشابه آمریکا با بریتانیا، روسیه، هلند و... امضاء کرد و اصل نظام معاهده نابرابر چینی که عبارت بود از؛ حقوق برون مرزی اتباع بیگانه یا حق اتباع غربی مقیم ژاپن به برخورداری از قانون ملی کشور خود در دادگاه‌های کنسولی برقرار شد. (اوری شاور، ۱۳۷۹، ص ۸۲)

اقدامات شوگون‌ها در دادن امتیاز به بیگانگان باعث افزایش مخالفت‌های داخلی شد. قبایل غرب (چوشو ساتسوما، هیزن، توسا)، اشراف درباری، تجار و بازرگانان و امپراطور مخالفت خود را با اقدام شوگون‌ها اعلام کردند و قبایل غرب کشور شورش‌هایی به راه انداختند، شوگون‌ها برای سرکوب آنها نیروهایی اعزام کردند ولی شکست خوردند و شکست آنها زمینه

اعاده قدرت به امپراطور را فراهم کرد. (استوری، ۱۳۶۷، ص ۹۳) شوگون «که یکی» که توان سرکوب شورش‌های داخلی را نداشت داوطلبانه نیروهای اجرائیش را در اختیار امپراطور قرار داد و اعاده قدرت به امپراطور شکل گرفت. تا تاریخ سوم ژانویه ۱۸۶۸م امپراطور فرمانی صادر کرد که به موجب آن تمام اختیارات مملکتی را به خودش محول کرد و شوگون بعد از ۷۰۰ سال فروپاشید. (پرویزیان، پیشین، ص ۵۵) با اعاده قدرت به امپراطور نوسازی و اصلاحات در کشور برای مقابله با تجاوزات غرب و لغو معاهدات تحمیلی شروع شد.

نیروهای قدرتمند ژاپن با یک هدف واحد آن هم نوسازی و اصلاحات برای فائق آمدن بر برتری‌های غرب به انسجام رسیدند و برای رسیدن به آن از هیچ اقدامی فروگذار نکردند به طوری که بعد از اعاده قدرت به امپراطوری قبایل غرب کشور و بعد از آن قبایل دیگر کشور دارایی‌ها و قوای نظامی خود را در اختیار امپراطور برای نوسازی و اصلاحات نظامی، اقتصادی و... قرار دادند. (استوری، پیشین، ص ۹۹) علاوه بر آنها تجار به ویژه تجارت‌خانه میتسوئی گومی زمانی که دولت به پول نیاز داشت مبالغی را در اختیار دولت قرار داد. (رفعت، ۱۳۴۰، ص ۱۵۱)

دولت میجی که حاصل اجماع نخبگان حاکم بود نوسازی و اصلاحات در زمینه‌های نظامی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی و... را شروع کرد و توانست به موفقیت‌هایی دست یابد. در زمینه نظامی با به‌کارگیری اقداماتی چون سازماندهی ارتش و ایجاد ارتش دائمی، استفاده از معلمان فرانسوی برای آموزش نظامیان و با به‌کارگیری سبک فرانسه برای نوسازی نظامی، (Tipton., 2002, pp.42-43) به‌کارگیری قانون نظام وظیفه (رجب زاده، ۱۳۶۵، ص ۲۴۶) و صرف هزینه‌های هنگفت توانست ارتش نیرومندی را ایجاد کند. به طوری که در جنگ با چین در ۱۸۹۴م ارتش دارای ۲۸ کشتی جدید و ۲۴ اژدرافکن و... بود (همان، ص ۲۶۸) و توانست چین را شکست دهد و به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای ظهور و معاهدات تحمیلی غرب را لغو کند و در ۱۹۰۴ م ۱۹۰۵ روسیه به عنوان کشور غربی را با خسارت‌های هنگفت مواجه کند. در زمینه آموزشی دولت میجی با به‌کارگیری اقداماتی چون اعزام دانشجویان به غرب برای فرا گرفتن علوم غرب، استفاده از معلمان برای آموزش در مدارس ژاپن، آموزش اجباری در مدارس ابتدایی (در سال ۱۸۹۵م ۶۰٪ و در سال ۱۹۱۰م همه دختران و پسران به مدرسه می‌رفتند) و گسترش مدارس متوسطه و دانشگاه‌ها در سراسر کشور (در اوائل قرن ۲۰م کالج‌ها ۶۶/۳۰۰ دانشجو و دانشگاه‌ها ۷۲۳۹ دانشجو در رشته‌های مختلف طب، معدن، کشاورزی و... را در خود جای داده بود) توانست تحولات اساسی در زمینه آموزش ایجاد کند. (همان، ص ۲۹۰) و بعد از ۵۰ سال از نوسازی به عنوان باسوادترین کشور آسیایی شناخته شود. (استوری، پیشین، ص ۱۰۷) در زمینه صنعتی و اقتصادی دولت میجی بر استقلال، خودکفایی اقتصادی و توسعه صنعتی تأکید می‌کرد. (شهیدی، ۱۳۷۲، ص ۸۵) برای رسیدن به این امر دولت با استفاده از مالیات ارضی و

صادرات محصولات کشاورزی چون چای، پنبه و... در صنایع سبک نظیر نساجی، نخ تابی، بافندگی و... به دلیل کاربری و کم هزینه بودن سرمایه‌گذاری کرد و توانست هزینه مورد نیاز صنایع سنگین را تأمین کند. (رجب‌زاده، پیشین، ص ۲۹۹) بعد ژاپن در صنایع سنگین نظیر کشتی‌سازی، فولاد و... سرمایه‌گذاری کرد. (Reishouer, 1946, p.158) (تجار قدیمی در سرمایه‌گذاری در طرح‌های جدید ترسو و محافظه‌کار بودند لذا دولت ابتکار عمل را به دست گرفت و با احداث کارخانه‌هایی چون کاغذ، شیشه و... صنایع زیر بنایی نظیر راه آهن، صنایع تسلیحاتی و کشتی‌سازی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را با واگذار کردن صنایع دولتی به بخش خصوصی در این امر تشویق کرد و زمینه رقابت بخش خصوصی را فراهم کرد. شرکت‌های تجاری با رقابت توانستند نه تنها نیاز داخلی را برآورده کنند بلکه شرکت‌های تابعه‌ای در کشورهای دیگر راه انداختند. به طوری که در اواسط دهه ۱۹۱۰ م میتسوئی بوسان ۲۸ شعبه در داخل، ۴۶ شعبه در آسیا، ۵۴ شعبه در اروپا، ۲ شعبه در آمریکا و یک شعبه در استرالیا داشت. (متوسلی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۴) مجتمع‌های مالی و تجاری «زایباتسوها» با جمع‌آوری اطلاعات از بازارهای خارجی برای خرید و فروش کالا و ایجاد امنیت شغلی باعث وفاداری کارگران شده و توانستند بازارهای قابل اعتمادی برای خود دست‌وپا کنند و نفوذ خود را در کشورهای دیگر گسترش دهند و هم سطح غرب، نه تنها در بازارهای مجاور ژاپن بلکه در عرصه بین‌المللی با آنها رقابت کنند اقدامات دولت میجی در زمینه نوسازی آموزشی، اقتصادی و غیره باعث رشد گروه‌ها و طبقاتی شد که خواهان آزادی‌های مدنی در جامعه بودند. طبقات کارگر و تحصیل کرده کشور افزایش یافت. این امر به نوبه خود اهمیت آزادی‌های مدنی و سیاسی را افزایش داد. به طوری که جنبش حقوق آزادی و حقوق ملت از اواخر دهه ۱۸۸۰ م در تغییر روند دولت با مفاهیم سیاسی مشروطه‌گرایی، حقوق طبیعی و غیره شروع شد. در سال‌های ۸۱-۱۸۸۰ اعتراض به یک جنبش مردمی با جمعیت ۳۰۰۰۰ نفر رسید که گروه‌های مختلفی از تولیدکنندگان، کشاورزان و... در آن حضور داشتند. اهداف جنبش ایجاد پارلمان ملی، کاهش مالیات ارضی، بازنگری معاهدات نابرابر و خودمختاری ملی را در بر گرفت. اگر چه این جنبش با سرکوب دولت پایان یافت (Takeo, 1985, p.38) ولی تشکیل پارلمان که یکی از اهداف امپراطوری در منشور خودش بود، به قوت خود باقی ماند. به طوری که امپراطور از الیگارشی حاکم خواست طرح قانون اساسی مبنی بر تشکیل مجلس شورا را سازماندهی کنند و ایتو را مسئول تنظیم قانون اساسی قرار داد. ایتو قانون اساسی آلمان را به دلیل قدرت محدود پارلمان مناسب دانست و قانون اساسی به سبک آلمان طراحی شد. (اوری شاور، پیشین، ص ۱۰۱) و در ۱۱ فوریه ۱۸۸۹ م امپراطور قانون اساسی مکتوب را بدست نخست وزیر «کنت کورورا» سپرد و در سال ۱۸۹۰ م فرمان تشکیل مجلس شورا را صادر کرد. (استوری، پیشین، ص ۱۱۰) نهاد

قانون گذاری از دو مجلس تشکیل می‌شد که عبارت بودند از؛ ۱- مجلس اعیان که اشراف و عده‌ای از منتخبان صاحب شغل دائم امپراطور و برخی از نمایندگان انتخابی از سوی مالیات‌دهندگان طراز اول بود. ۲- مجلس عوام که نمایندگان مردم بودند و طبق قانون اساسی مجلس اعیان موافقی طرح‌های مجلس عوام را و تو می‌کرد. (کوشان، پیشین، ص ۱۱۱)

نوسازی و اصلاحات در ایران در دوره معاصر

در مقایسه با ژاپن که دوره توکوگاما را در انزوا از جهان خارج سپری کرده بود دولت صفویه با شکل‌دهی مذهب شیعه در مقابل مذهب سنی عثمانی هویت ملی در کشور ایجاد کرده بود و با کشورهای غربی چون پرتغال، هلند، انگلیس و... روابط تجاری، اقتصادی و... داشت. داد و ستد بین ایران و کشورهای غربی به ویژه دوره شاه عباس به صورت متقابل و بر اساس منافع طرفین بود و تا قرن ۱۹ م و [اواخر قرن ۱۲ هـ ش] سیاست‌های استعماری کشورهای غربی در ایران کاهش یافت. اما در قرن ۱۹ [اواخر قرن ۱۲ هـ ش] کشورهای غربی برای به دست آوردن برتری‌های نظامی، اقتصادی و... گسترده درصدد نفوذ بیشتر در کشورهای دیگر برآمدند که ایران نیز یکی از آن کشورها محسوب می‌شود. ایران در اوایل قرن ۱۹ م [۱۲ هـ ش] در دوره عباس میرزا که فرماندهی نیروهای نظامی را بر عهده داشت، در درگیری‌ها مرزی با روسیه و تجاوزات مرزی روسیه به مناطق مرزی ایران با برتری‌های نیروهای نظامی مدرن روسیه مواجه شد. شکست عباس میرزا در جنگ با روسیه چشمان وی را نسبت به عقب‌ماندگی ایران و پیشرفت غرب باز کرد و درصدد نوسازی نظامی برآمد. لذا نوسازی از دوره عباس میرزا در ایران شروع شد اما با موانع جدی از جمله عدم اجماع نخبگان و به عبارت دیگر نیروهای قدرتمند به سنتی و مدرن (زمینداران، اشراف درباری، حکام ایالات و...) همراه بود اگر چه رضا شاه توانست با سرکوب نیروهای قدرتمند (ملاکین بزرگ نظیر فرمانفرما، اشراف نظیر تیمورتاش، روحانیون و...) به صورت یکجانبه تمرکزگرایی ایجاد کند ولی با مخالفت‌های روحانیون، ملاکین بزرگ و... به صورت آشکار و پنهان همراه بود. بنابراین نوسازی و اصلاحات در ایران همانند ژاپن در مواجهه با برتری‌های غرب به ویژه روسیه در دوره عباس میرزا برای فائق آمدن بر برتری‌های آن در تجاوز به مناطق مرزی ایران شروع شد. عباس میرزا که علت شکست نیروهای نظامی در مواجهه با روسیه را فقدان نیروهای نظامی دائمی و منسجم می‌دانست درصدد شکل‌دهی ارتش دائمی مستقل از نیروهای نظامی موقتی قبایل برآمد که با مخالفت آنها نیز همراه بود. علاوه بر آن ایجاد ارتش دائمی نیاز به بودجه داشت تا هزینه‌های نظامی برآورده شود. برای این منظور عباس میرزا حقوق و مستمری درباریان و مستمری بگیران را کاهش داد که با مخالفت آنها مواجه شد. نیروهای

دیگری که با اصلاحات عباس میرزا مخالف بودند شاهزادگان به ویژه محمد علی میرزا نگران از افزایش قدرت عباس میرزا با اصلاحات وی بود زیرا وی نیز دنبال ولیعهدی شاه بود و برای رسیدن به این هدف اصلاحات وی را مغایر با اسلام می‌دانست. عباس میرزا که در داخل با طیف گسترده‌ای از مخالفین مواجه بود. (زیبا کلام، ۱۳۷۷، صص ۲۴۰-۲۳۸) تنها امید نوسازی نظامی را کمک گرفتن از کشورهای غربی دانست و برای این منظور ژنرال گاردان فرانسوی را برای سازماندهی امور نظامی به ایران آورد. (کوزنقوا، ۱۳۸۱، ص ۴۶) ولی او با توافق روسیه و فرانسه از ایران رفت. عباس میرزا بار دیگر به سراغ مستشاران انگلیسی رفت ولی آنها نیز بیشتر به نفع روسیه عمل می‌کردند تا به نفع ایران و توانستند معاهده گلستان را بر ایران تحمیل کنند.

در دوره امیرکبیر نیز اجماع و انسجامی بین نخبگان (زمینداران، اشراف، درباری، حکام ولایات و ...) در زمینه نوسازی و اصلاحات امیر کبیر وجود نداشت. امیرکبیر که قبل از صدارتش به روسیه و عثمانی سفر کرده بود و پی به عقب‌ماندگی ایران و پیشرفت کشورهای غرب برده بود، درصدد نوسازی و اصلاحات برآمد برای این منظور او اولین اقداماتش را با تمرکزگرایی در کشور شروع کرد و توانست شورش‌های مناطق مختلف کشور را سرکوب کند؛ شورش سیستان و بلوچستان که انگلیس طرح جداسازی آن مناطق از ایران را پیگیری می‌کرد، (هاشمی، ۱۳۴۴، صص ۹۸-۹۷) شورش اللهیارخان آصف‌الدوله حاکم مشهد به دلیل اختلاف خود با شاه درباره انتصاب مسئولیت تولید آستان قدس رضوی و غیره. (آوری، ۱۳۶۴، ص ۱۲۴) علاوه بر آن او برخی حکام خودسر مانند حاکم نطنز، یزد و ... را عوض کرد که با مخالفت آنها مواجه شد.

یکی از مشکلات امیر همانند عباس میرزا در نوسازی و اصلاحات، تأمین بودجه برای این اقدام بود. امیر کبیر نیز همانند عباس میرزا حقوق و مستمری بگیران و درباریان را کاهش داد و مالیات بر اراضی (کمالی، ۱۳۸۱، ص ۹۵) ملاکین را افزایش داد که با مخالفت آنها مواجه شد. لذا اقدام امیر کبیر در مدت کوتاه صدارت خود با طیف گسترده‌ای از مخالفین چون حکام سابق ایالات، درباریان، تیولداران، مستمری بگیران و ... مواجه شد. (زیبا کلام، پیشین، ص ۲۴۹) اگر چه امیر توانست اقدامات مناسبی در زمینه نظامی، آموزشی، اقتصادی، و ... انجام دهد، به طوری که در زمینه نظامی اقداماتی نظیر ایجاد نظام تازه سربازگیری که هر واحد مشمول مالیات در روستا و شهر شمار معینی سرباز می‌فرستادند، (کوزنقوا، پیشین، ص ۴۷) اعزام مسیو جان به اتریش جهت استخدام مستشاران نظامی برای آموزش نظامی در دارالفنون (هاشمی، پیشین، ص ۱۹۸) و بنای کارخانه اسلحه‌سازی، مهمات‌سازی، باروت‌سازی و توپ‌ریزی، (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۲۸۹) و توانست ارتش منظم با حقوق مرتب همراه با حداقل تجهیزات ایجاد کند. در زمینه آموزش روزنامه وقایع اتفاقیه و مدرسه دارالفنون که در آن قرار بود مسیو جان معلمانی در زمینه‌های

مختلف نظامی، طب، معدن و داروسازی از اتریش استخدام کند، تأسیس کرد. (همان، ص ۳۶۱) او در زمینه اقتصادی و صنعتی بر خودکفایی و استقلال اقتصادی تأکید فراوان کرد؛ به طوری که با مشاهده سردوشی ساخت با نو خورشید امتیاز آن را به مدت ۵ سال به او واگذار کرد. (هاشمی، پیشین، ص ۱۰۰) و با اقداماتی دیگری در این زمینه نظیر اعزام دانشجویان به سن پترزبورگ که در برگشت کارخانه‌های بلورسازی تهران، کاغذسازی اصفهان و... را احداث کردند (آدمیت، پیشین، صص ۳۸۸-۳۸۷) و لغو امتیازاتی که کشورهای غربی به‌طور ناعادلانه قبل از امیر گرفته بودند؛ نظیر لغو امتیاز اجاره نامه شیلات خزر که دست اتباع روسیه بود و آن را به اتباع ایران واگذار کرد، (همان، ص ۴۰۴) توانست تحولات اساسی نسبت به قبل ایجاد کند. ولی اقدامات وی همانطور که بیان شد با طیف گسترده‌ای از مخالفت‌ها همراه بود و زمینه عزل وی را فراهم کرد. علاوه بر مخالفین داخلی مخالفین خارجی مانند انگلیس و روسیه که نگران از استقلال و خودکفایی ایران در زمینه‌های مختلف بودند به این طیف افزوده شدند.

انقلاب مشروطیت ایران نیز در مقایسه با مشروطیت ژاپن با موفقیت همراه نبود. انقلاب مشروطه ایران برخلاف مشروطیت ژاپن که با هدایت از بالا صورت گرفت، توسط نیروهای اجتماعی مختلف نظیر روحانیون، بازاریان، روشنفکران و... از پایین حکومت قاجاریه را وادار به پذیرش مشروطه کرد. نیروهای مخالف سلطنت با تحصن در قم و سفارت انگلیس با اجماع و همدلی از مظفرالدین شاه عزل عین‌الدوله، افتتاح دارالشوری و... را درخواست کرده بودند. مظفرالدین شاه در مقابل مخالفین غیرقابل انعطاف چاره‌ای جز عزل عین‌الدوله و ایجاد مجلس دارالشوری مشروطه را نداشت. (زیباکلام، پیشین، صص ۴۲۴-۴۲۳) این اقدام مخالفین پیروزی بزرگی نصیب آنها کرد و توانستند به اهداف خود برسند اما مدتی از دوران مجلس اول نگذشته بود که در مورد تدوین قانون اساسی اختلافات بالا گرفت. مجلس به سه طیف اصلاح‌طلبان رادیکال که بیشتر روشنفکران به ویژه غرب‌گرایان را در خود داشت، میانه‌روها که افرادی چون آیت‌الله طباطبایی و آیت‌الله بهبهانی جزء این طیف بودند و محافظه‌کاران رادیکال که شیخ فضل‌الله نوری سردمدار آن بود، تقسیم شدند. اختلافات این سه طیف به ویژه دو طیف رادیکال در مورد قانون اساسی بالا گرفت. (شمیم، ۱۳۴۲، صص ۵۴۰-۵۳۹) شیخ فضل‌الله نوری جزء محافظه‌کاران رادیکال بود و به تدوین قانون اساسی که از قوانین غربی نیز استفاده شده بود اعتراض کرد و خواهان شرعی بودن مشروطه شد. این اختلافات فرصتی به محمدعلی شاه داد که با همکاری سفارت روسیه مجلس را به توپ ببندد و کار مجلس اول پایان پذیرد. با پایان مجلس اول مخالفت‌ها از سراسر کشور بر علیه محمدعلی شاه افزایش یافت و مشروطه خواهان، از مناطق مختلف کشور به تهران آمدند. با این اقدام مشروطه‌خواهان، محمدعلی شاه از ایران به روسیه فرار کرد و مجلس دوم افتتاح شد. در این

مجلس نیز دو طیف اعتدالیون و دمکرات‌ها به عنوان احزاب عمده مجلس بودند که بین آنها اختلاف پیش آمد و ترورهایی بر علیه یکدیگر شکل دادند و اختلافات بالا گرفت. اگرچه مجلس دوم اقدامات مناسبی برای سازماندهی امور مالی با استخدام شوستر به عنوان مشاور مالی و خزانه دار مالی کشور انجام داد، اما اقدامات شوستر در جمع‌آوری مالیات از سراسر کشور به ویژه از ملاکین تحت حمایت روسیه، با مخالفت روسیه مواجه شد. به طوری که شوستر ملاکان و سیاستمداران متمول را تحت فشار قرار داد تا مالیات‌های معوقه خود را بپردازند. از آنجا که بسیاری از افراد تحت الحمایه روسیه بودند و روسیه خواهان معافیت ویژه مالیاتی از آنها شد اما شوستر آن را رد کرد و مالیات‌گیری را ادامه داد که با مخالفت برخی از محافظه‌کاران و روسیه مواجه گردید. (آفاری، ۱۳۷۸، ص ۴۲۰)

روسیه به مجلس اولتیماتوم مبنی بر خروج شوستر داد ولی مجلس به ویژه دمکرات‌ها قبول نکردند. لذا کابینه کودتایی علیه مجلس طراحی کرد و آن را منحل نمود و روز کریسمس ۱۹۱۱ م کار شوستر به پایان رسید. (آوری، پیشین، صص ۳۰۶-۳۰۷) لذا عدم اجماع بین دولت و مجلس و بین احزاب (اعتدالیون که خواهان اخراج و دمکرات مخالف اخراج بودند) باعث شد، انقلاب مشروطیت نیز با موفقیت همراه نشود.

بعد از مشروطیت تا زمان روی کار آمدن رضا شاه هیچ اقدام مناسبی در جهت نوسازی و اصلاحات صورت نگرفت. رضاشاه افسر نظامی قزاق‌خانه بود. از آن جاییکه بعد از انقلاب شوروی، اهمیت نیروهای قزاق به عنوان نیروهای هوادار رژیم تراز روسیه از بین رفت- به طوری که انقلاب شوروی سیاست‌های تجاوزکارانه تراز روسیه را محکوم کرد و خواهان شکل‌گیری انقلابات کمونیستی در جهان شد- انگلیس درصدد استفاده از نیروهای قزاق برای اهداف خود در ایران شد و توانست رضاشاه را که به‌عنوان افسر نظامی قزاق‌خانه بود، برای کودتا در ایران آماده کند و حکومت متمرکز برای مقابله با نفوذ کمونیسم در ایران و کشورهای جنوب ایران ایجاد کند. کودتا در ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ م [۱۲ اسفند ۱۲۹۹ هـ ش] به وسیله رضاخان صورت گرفت. (ایوانف، بیتا، ص ۴۴۴)

بعد از کودتا رضاشاه وزارت جنگ را عهده‌دار شد. بعد از اینکه رضاشاه وزارت جنگ را به عهده گرفت شورش‌های داخلی چون محمدتقی‌خان پسیان در خراسان، حزب دمکرات در آذربایجان به رهبری ماژور لاهوتی که از طرفداران خیابانی بود و شورش‌های دیگر در شمال و جنوب و مناطق دیگر را سرکوب کرد و توانست نظم و امنیت در کشور به وجود آورد. اقدامات رضاشاه در ایجاد نظم و امنیت باعث شد مجلس وی را در ۱۹۲۳ م [۱۳۰۲ هـ ش] به نخست‌وزیری انتخاب کند. و در سال ۱۹۲۵ م [۱۳۰۴ هـ ش] طرحی به وسیله شماری از نمایندگان مجلس مبنی بر انتقال قدرت از احمدشاه به نخست‌وزیر امضاء شد تا مجلس

مؤسسان تشکیل شود و آن را به تصویب رساند. از مخالفان طرح از جمله مدرس بود که فریاد زد «اگر صد هزار رای هم بدهند خلاف قانون است» و مجلس را ترک کرد. رأی‌گیری صورت گرفت و با اکثریت آرا قدرت از قاجاریه به رضاشاه منتقل شد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵)

بعد از اینکه رضاشاه قدرت را به دست گرفت نوسازی و اصلاحات در زمینه‌های نظامی، آموزشی و اقتصادی را به طور یکجانبه در کشور شروع کرد. در زمینه نظامی او با چند برابر کردن بودجه نظامی و اجباری کردن خدمت سربازی، ارتش دائمی جدید ایجاد کرد. وی با مجهز کردن آن با وسایل مکانیزه سعی در تقویت و مدرن‌سازی آن نمود و همچنین سران نظامی را به عنوان گروه برتر در میان کارمندان دولت از امکانات رفاهی خاصی بهره‌مند کرد. (کمالی، پیشین، ص ۳۷) وی برای شکل‌دهی ارتش منسجم تشکیلات ژاندرم، قزاق و ... را منحل کرد و کشور را به ۶ منطقه نظامی شمال غرب (تبریز)، شرق (مشهد)، مرکز (تهران)، غرب (همدان)، شمال (رشت)، جنوب (اصفهان) تقسیم و برای هر منطقه افسران وفادار اعزام کرد. (ایوانسکی، ۱۳۵۷، ص ۱۵۴) وی از طریق چنین نیروی نظامی به قلع و قمع سایر عشایر، مخالفان سیاسی، مذهبی و مالکان بزرگ قدیمی پرداخت. (سیف‌اللهی، ۱۳۷۴، ص ۶۸)

علاوه بر آن سه مدرسه نظامی تأسیس کرد که عبارتند از: ۱- مدرسه ابتدایی نظامی برای پسران ۷ سال به بالا، ۲- مدرسه متوسط نظامی ۳- مدرسه صاحب‌منصبان که بعدها به دانشگاه افسری تغییر یافت. این مدارس نقش مؤثری در آموزش نظامیان داشتند. (گروین، ۱۳۷۷، صص ۲۳۹-۲۳۸) برای مجهز کردن تجهیزات نظامی، رضاشاه کارخانه اسلحه‌سازی در جلیل‌آباد، مهمات‌سازی در باغ سلطنت‌آباد، که ساختمان این کارخانه مقدمات گشایش کارخانه مواد شیمیایی پارچین را تهیه کرد، کارخانه ماسک‌سازی ونک و کارخانه مسلسل‌سازی دوشان تپه را تأسیس کرد. (الول، بی تا، ص ۲۵۱) در زمینه آموزش در سال‌های ۱۹۲۷-۳۴ [۱۳-۱۳۰۶ هـ ش] قوانین و تصویب‌نامه آموزش اجباری و رایگان در دوره ابتدایی و آموزش پولی در دوره دبیرستان و تأسیس مدارس دولتی و دانشسرا و دانشگاه را به تصویب رساند. به طوری که در سال ۱۹۳۴ م [۱۳۱۳ هـ ش] دانشگاه تهران تأسیس شد. (کمالی، پیشین، ص ۱۵۲) اقدامات وی باعث تحولات اساسی در زمینه آموزشی نسبت به قبل شد. به طوری که در سال ۱۹۲۳ م [۱۳۰۲ هـ ش] تعداد محصلین ایران حدود ۵۵ هزار نفر بود، در سال ۱۹۴۰ م [۱۳۱۹ هـ ش] تعداد محصلین به ۴۹۷ هزار نفر رسید. (ایوانف، پیشین، ص ۸۷) مدارس جدید مدارس قدیمی و مکتب خانه‌ها را از رونق انداخت. (کمالی، پیشین، ص ۱۵۲)

در زمینه اقتصادی و صنعتی سیاست اقتصادی وی بر محور حمایت ملی‌گرایانه و براساس توسعه اقتصادی و صنعتی شوروی استوار بود. وی در سال ۱۹۲۷ م [۱۳۰۶ هـ ش] بانک ملی ایران را به عنوان مؤسسه کنترل‌کننده مالی و پولی کشور تأسیس کرد. سهمیه صادرات و

واردات کالا زیر نظارت دولت قرار گرفت. صنایع داخلی توسط انحصارات دولتی اداره می‌شد. مثلاً شرکت دخانیات در ایران به این منظور بود تا بر کار تولید و بخش توتون و سیگار نظارت داشته باشد. علاوه بر آن دولت کار تصفیه شکر، تولید چای و... را به دست گرفت و در ۱۹۳۳ م [۱۳۱۵ هـ ش] کارخانه چای خشک‌کن در لاهیجان، کارخانه تصفیه شکر در کهریزک را تأسیس کرد. همچنین او در ۱۹۳۵ م [۱۳۱۴ هـ ش] دو کارخانه سیمان در ۱۹۴۰ [۱۳۱۹ هـ ش] یک کشتی لایروبی و ... تأسیس کرد (آوری، پیشین، ص ۴۶۳) علاوه بر آن دولت ۲۶۰ میلیون تومان در راه‌آهن سرمایه‌گذاری کرد و بودجه صنایع را افزایش داد (کمالی، پیشین، ص ۱۵۱) به طوری که بودجه صنایع در ۱۹۴۱ م [۱۳۲۰ هـ ش] ۵ برابر بودجه ۱۹۳۴ م [۱۳۱۳ هـ ش] بود. (کاتوزیان، پیشین، ص ۱۸۸)

اقدامات رضاشاه باعث تحولات اساسی در زمینه صنعتی و اقتصادی نسبت به دوران قبل ایجاد کرد منتهی اقدامات وی با سرکوب نیروهای مخالف چون روحانیون، ملاکین بزرگ و مصادره اموال آنها و غیره همراه بود. به طوری که در زمان حمله متفقین به ایران و تبعید رضاشاه نیروهای قدرتمند به ویژه نیروهای سنتی ملاکین و روحانیون هیچ حمایتی از وی نکردند. با این وجود اقدامات وی باعث تحولات اساسی در جامعه شد. به طوری که دو طبقه کارمندان و کارگران با گسترش بوروکراسی و صنایع شکل گرفت و در تحولات ۱۲ سال اول محمدرضا شاه به‌عنوان نیروهای فعال جامعه محسوب می‌شدند. علاوه بر اینکه نوسازی و اصلاحات رضاشاه بر عکس نوسازی و اصلاحات ژاپن با عدم اجماع و به‌طور یکجانبه شکل گرفت اقدامات رضاشاه قابل مقایسه با ژاپن نبود. به طوری که اصلاحات نظامی رضاشاه و نیروهای نظامی وی با کوچکترین مقاومت شکست خوردند ولی نیروهای نظامی ژاپن با تجهیزات مدرن توانستند چین و روسیه را شکست دهند و در جنگ دوم جهانی در مقابل کشورهای غربی ایستادگی جانانه کردند و تنها با حمله اتمی شکست خوردند. اصلاحات اقتصادی رضاشاه نیز بر عکس ژاپن که دولت زیربنای اقتصادی را آماده کرد و بعد در اختیار بخش خصوصی قرار داد و زمینه رقابت آنها فراهم شد و توانست در مناطق مجاور نفوذ کنند، زمینه رشد بخش خصوصی را فراهم نکرد. دولت امور اقتصادی و صنعتی را همچنان تا پایان دوره رضاشاه در اختیار داشت و رقابت بخش خصوصی شکل نگرفت در زمینه آموزشی نیز اصلاحات رضا شاه در مقایسه با اصلاحات ژاپن که نخبگان اصلاح‌طلب توانستند مدارس را در سراسر ژاپن گسترش دهند و بعد از ۵۰ سال به عنوان باسوادترین کشور آسیا شناخته شوند، با موفقیت همراه نبود زیرا مدارس نه تنها در مناطق مختلف کشور به ویژه روستاها گسترش نیافته بود بلکه در مدارس به ویژه دوره متوسطه فقط افراد متمول می‌توانستند تحصیل

کنند. به علاوه دوره کوتاه مدت رضاشاه را نیز می‌توان یکی از دلایل بر عدم موفقیت در این زمینه برشمرد.

نتیجه‌گیری

نوسازی اصلاحات ایران و ژاپن با هدایت از بالا توسط نخبگان اصلاح طلب و نوساز شروع شد. در ژاپن با اعاده قدرت به امپراتور، نوسازی و اصلاحات توسط دولت میجی شروع شد. گروه‌ها و طبقات مختلفی در اعاده قدرت به امپراتور نقش داشتند که عبارت بودند از: زمینداران، اشراف، بازرگانان و... این طبقات به همراه امپراتور نوسازی و اصلاحات را در ژاپن آغاز کردند. یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت ژاپن در زمینه نوسازی و اصلاحات، اجماع و انسجام بین طبقات قدیم و جدید ژاپن می‌باشد. این اجماع و انسجام زمینه شکل‌گیری حکومت متمرکز را در کشور به وجود آورد که تصمیمات در مرکز گرفته می‌شد و استان‌ها براساس تصمیمات مرکز عمل می‌کردند. لذا تمرکزگرایی در کشور حاکم شد و ساختار اجتماعی دوره توکوگاوا که دایمیوها در مناطق خودشان از برخی اختیارات برخوردار بودند لغو شد. در ایران برعکس ژاپن نه تنها اجماع و انسجامی بین نیروهای قدرتمند سنتی و نخبگان اصلاح طلب در دوره قاجاریه شکل نگرفت بلکه تمرکزگرایی نیز تا زمان ظهور رضاشاه در کشور به وجود نیامد. به طوری که شاهزادگان و حاکمان ایالات مستقل از مرکز عمل می‌کردند و حاضر به کاهش قدرت خودشان به نفع مرکز نبودند. شاهزادگان و حاکمان که بیشتر از بستگان خاندان قاجاریه بودند و خود را مرتبط به خاندان قاجاریه می‌دانستند و نیز از پشتوانه خاندان قاجار برخوردار بودند، حاضر به از دست دادن اختیارات گسترده خودشان به نفع مرکز نبودند. این در حالی است که قبایل غرب ژاپن و بعد از آنها قبایل دیگر ژاپن با اعاده قدرت به امپراتور تمام املاک و دارایی‌های خود را در اختیار حکومت مرکزی قرار دادند تا حکومت متمرکز در کشور به وجود آید و مانع جدی در برابر سیاست‌های استعماری کشورهای استعمارگر باشد. لذا ارتقاء توان ملی کشور جزء اهداف نیروهای قدرتمند و مردم ژاپن بود. ولی در ایران منافع شخصی در رأس اولویت برخی از نیروهای قدرتمند بود. به طوری که حتی برخی از ملاکین یا گروه‌های دیگر برای حفظ منافع شخصی خودشان با روسیه و انگلیس همکاری می‌کردند. علاوه بر آن اجماع و انسجام بین نیروهای قدرتمند سنتی و جدید (زمینداران، اشراف، بازاریان، پادشاه، نخبگان اصلاح طلب و غیره) شکل نگرفت و هر طیفی از نیروهای سنتی در صدد حفظ منافع خودشان بودند. لذا در دوره قاجاریه اجماع و انسجام شکل نگرفت. اگر در دوره قاجاریه نخبگان اصلاح طلب و نوساز نتوانستند اجماع و انسجامی را با نیروهای سنتی به وجود آورند، رضا شاه با سرکوب نیروهای

قدرتمند سنتی نظیر اشراف، زمینداران، روحانیون و غیره حکومت متمرکز و مطلقه‌ای را به وجود آورد. برای تمرکزگرایی، او کشور را به استان‌هایی تقسیم کرد که استانداران و فرمانداران براساس تصمیمات مرکز عمل می‌کردند. اقدامات رضا شاه همانند اقدامات الیگارشی میجی، ساختار اجتماعی سنتی را تغییر داد و طبقات جدیدی چون دیوانسالاران و کارگران و غیره، همراه با برخی طبقات سنتی، در جامعه ظهور کردند. با این تفاوت که اقدامات الیگارشی میجی بر اساس اجماع و تفاهم نیروهای سنتی و جدید شکل گرفته بود ولی تحولاتی که در دوره رضا شاه شکل گرفت با سرکوب نیروهای سنتی و مخالفان اصلاحات شکل گرفت که حمایت آنها را در فرایند نوسازی و اصلاحات از دست داد.

علاوه بر عامل عدم اجماع و انسجام نخبگان و نیروهای قدرتمند سنتی و نوساز جهت نوسازی و اصلاحات ایران در دوره قاجاریه، تحولات تاریخی قبل از ظهور قاجاریه و میجی تأثیر گذار در نوسازی و اصلاحات دو کشور بوده است. همان‌طوری که قبلاً نیز بیان کردیم، قبل از اعاده میجی، تحولات ژاپن در طول دو قرن و نیم با انزوا از جهان خارج سپری شد. در این دوره ژاپن با صلح و آرامش همراه بود. به دلیل ارتباطات با جهان خارج، زمینه صلح و آرامش و امنیت جهت سرمایه‌گذاری فراهم شده بود. در این دوره تجارت و بازرگانی به‌واسطه سیستم گروگان‌گیری حکومت توکوگاوا رشد پیدا کرده بود و شرکت‌های تجاری قدرتمندی برای خرید و فروش محصولات و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف به وجود آمده بود. این شرکت‌ها نظیر میتسوئی بعد از اعاده قدرت امپراتور نه تنها کمک‌های مالی در اختیار امپراتور قرار می‌داد بلکه در طرح‌های مورد نیاز دولت نیز سرمایه‌گذاری می‌کرد. اما در ایران اگر چه در دوره صفویه به ویژه دوره شاه عباس تجارت و دادوستد رونق گرفته بود ولی در پایان حکومت صفویه دیگر رونق تجارت سابق وجود نداشت و بعد از صفویه نیز تا قرن ۱۹ به دلیل ناامنی در کشور تجارت چندان رونق نداشت. لذا امیرکبیر از امتیازاتی که دولت میجی در نوسازی و اصلاحات برخوردار بود، برخوردار نبود.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

- ۱- آفاری ژانت، (۱۳۷۸)، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
- ۲- آوری پیتر، (۱۳۶۴)، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.
- ۳- آدمیت فریدون، (۱۳۴۸)، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- ۴- استوری ریچارد، (۱۳۶۷)، تاریخ ژاپن، ترجمه فیروز مهاجر، تهران: پایپروس.
- ۵- ال‌ول ساتن ال بی، (بی تا) رضاشاه یا ایران نو، ترجمه عبدالعظیم صبوری، تهران: بی نا.

- ۶- اوری شاورادوین، (۱۳۷۹)، ژاپن در فراز و نشیب تاریخ، ترجمه حسین نجف آبادی فراهانی، تهران: بهار نسرين.
- ۷- ایوانسکی س. (۱۳۵۷)، سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران، ترجمه محمد باقر هوشیار، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی
- ۸- ایوانف میخائیل سرگیه ویچ، (بی تا) تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی، تهران: اسلوچ.
- ۹- پرویزیان پرویز، (۲۵۳۵)، نوسازی سیاسی ژاپن بعد از جنگ دوم جهانی، تهران: کتابخانه مرکزی
- ۱۰- رجب زاده هاشم، (۱۳۶۵)، تاریخ ژاپن، تهران: مولف.
- ۱۱- رفعت یدالله، (۱۳۴۰)، تحول عظیم ژاپن در قرن اخیر، تهران: بی نا.
- ۱۲- زیباکلام صادق، (۱۳۷۷)، سنت و مدرنیته، تهران: روزنه.
- ۱۳- سیف اللهی سیف الله، (۱۳۷۴)، اقتصاد سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده جامعه پژوهشی و برنامه‌ریزی المیزان
- ۱۴- شمیم علی اصغر، (۱۳۴۲)، ایران در دوره سلطنت قاجاریه، تهران: ابن سینا.
- ۱۵- شهیدی محمد نقی، (۱۳۷۲)، بررسی استراتژی صنعتی ژاپن، تهران: بیمه ایران.
- ۱۶- کاتوزیان همایون، (۱۳۸۲)، اقتصاد سیاسی ایران، تهران: مرکز.
- ۱۷- کوزنقوا بیناالگسون، (۱۳۸۱)، اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: مرکز نشر بازشناسی ایران و اسلام.
- ۱۸- کمالی مسعود، (۱۳۸۱)، جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران، ترجمه کمال پولادی، تهران: مرکز نشر بازشناسی ایران و اسلام.
- ۱۹- کوشان اسماعیل، (۱۳۱۷)، امپراطوری ژاپن از بدو تشکیل تاکنون، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۰- گروئین استفانی، (۱۳۷۷)، ارتش و حکومت پهلوی در ایران، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: خجسته.
- ۲۱- متوسلی محمود، (۱۳۷۴)، توسعه اقتصادی ژاپن با تأکید بر آموزش نیروی انسانی، تهران: موسسه مطالعاتی و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۲۲- مرتون ویلیام اسکات، (۱۳۶۴)، تاریخ و فرهنگ ژاپن، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیر کبیر.
- ۲۳- مور برینگتون، (۱۳۶۹)، ریشه‌های اجتماعی، دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه حسین بشیریه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۴- هاشمی رفسنجانی علی اکبر، (۱۳۴۴)، امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، تهران: فراهانی.

ب - خارجی

- 1- Reischouer Edwino (1948), **Japan**, New York: Alfred .Knopf.Inc.
- 2-Takeo Kuwabara, (1985) **The Meiji Evolution and Japan Modernization**, Edited by Nagai Michio and Miguel Urrutia, MeijiIshin: Restoration and Revolution, Tokyo: The United Nations University .
- 3-Tiption Elisek, (2002), **Modern Japan** ,London: Routledge.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"نوسازی و اصلاح دینی از دیدگاه سیدجمال الدین اسدآبادی"، سال ۷۰، شماره ۲۶ - "روشنفکر و رابطه اش با حقیقت و نظم در پروژه مدرنیته"، سال ۷۹، شماره ۴۸ - "پدرسالاری و مدرنیته"، سال ۷۹، شماره ۵۰ - "بررسی تجربه نوسازی فرهنگی و سیاسی در ترکیه در فاصله سال های ۱۹۵۰-۱۹۲۰"، سال ۸۰، شماره ۵۲، "اقتصاد سیاسی ترکیه در فاصله سال های ۱۹۵۰ - ۱۹۲۰"، سال ۸۰، شماره ۵۴ - "رابطه دین و سیاست در ایران (یک بررسی تئوریک و تاریخی)"، سال ۸۲، شماره ۵۹ - "توسعه، سیر تحول مفهومی و نظری"، سال ۸۳، شماره ۶۳ - "نوسازی و اصلاحات در ایران معاصر"، سال ۸۴، شماره ۶۹ - "اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی"، سال ۸۵، شماره ۷۱ - "گفتگو و توسعه"، دوره ۳۷، شماره ۲، سال ۸۶.